

توزیع مکانی جمعیت ایران

مقدمه :

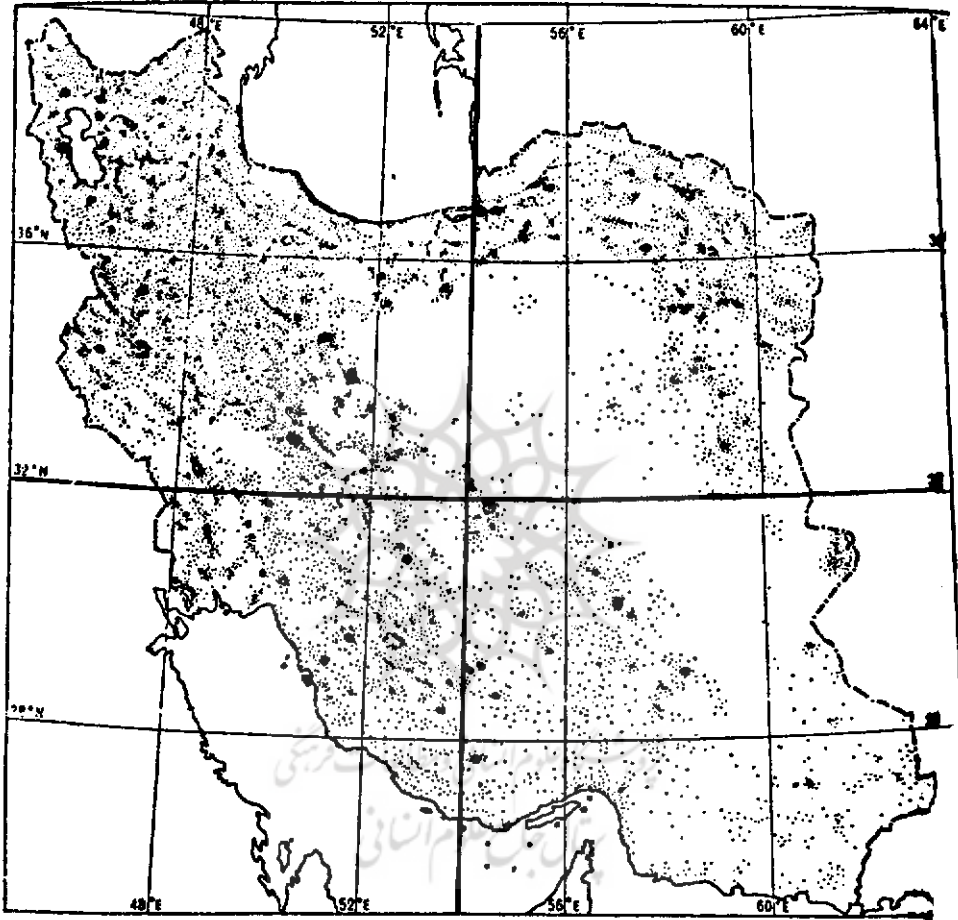
جمعیت ایران به صورت نامتعادل و نامتناسبی توزیع شده است. در برخی قسمتها جمعیت انبوه است و در یارهای مناطق جمعیت پراکنده ای زندگی می کنند. بعضی مناطق شهری، سهم عمده ای از جمعیت را در خود جای داده اند و در مقابل، نقاط مسکونی بسیاری دارای جمعیت اندکی هستند. عوامل مختلفی سبب این توزیع نامتعادل و نامتناسب شده اند که می توان آنها را در دسته های متنوعی مانند عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و... تقسیم بندی کرد. اما تفکیک اثرات هر یک از این عوامل بر توزیع جمعیت ایران کاری است غیر ممکن، چرا که در اکثر موارد چند عامل در ارتباط با یکدیگر اثر مضاعف داشته و یا اثر همدیگر را خنثی کرده یا کاهش داده اند. قدرت و تأثیر عوامل مذکور در ادوار مختلف تاریخی و بر حسب نوع معیشت جوامع شهری، روستائی و عشایری متفاوت بوده است. چنانکه در توزیع جمعیت روستائی و عشایری، عوامل طبیعی نقش تعیین کننده داشته و در مقابل در توزیع جمعیت شهری، عوامل انسانی نظیر راه، تجارت و صنعت تأثیر فراوان داشته است. بعلاوه همراه با تکامل فرهنگ و تمدن و بویژه دستیابی به تکنولوژی جدید ماشینی، که به تسلط انسان بر طبیعت انجامیده، اثر عوامل طبیعی کاهش قابل توجهی یافته است. گسترش صنعت ماشینی و رواج تجارت، احداث شهرها و شهرکها و مناطق کشاورزی

جدید و توسعه راهها و رواج وسائط نقلیه گوناگون، دوره تازه‌ای از رشد و تحول و جابجائی جمعیت را همراه داشته است. آنچه به‌عنوان مسأله اساسی در روند توسعه اقتصادی اجتماعی ایران مطرح است تسریع روند شهرنشینی و هجوم مهاجرین روستائی و گاه مهاجرین شهرهای کوچک به‌سوی شهرهای بزرگ و تمرکز جمعیت در تعدادی اندک از تعداد پرشمار شهرهای ایران و ایجاد ناهماهنگی بیشتر در توزیع جمعیت ایران است. لازم است در توصیف، تحلیل، علت‌یابی و چاره‌اندیشی این توزیع ناهماهنگ، نامتعادل و نامتناسب پژوهش‌های تازه و جدی صورت گیرد. این مقاله تنها دو مبحث اول یعنی توصیف و تحلیل را در بر می‌گیرد. در فرصتی دیگر به دو مبحث دیگر خواهیم پرداخت.

۱- نگاه کلی:

نظری به نقشه پراکندگی جمعیت ایران (نقشه شماره ۱) نشان می‌دهد که جمعیت ایران به‌صورت نامتعادل و نامتناسبی توزیع شده است. در حالیکه در قسمت‌های شمالی و شمال غربی، جمعیت متراکمی دیده می‌شود، نواحی شرقی و جنوب شرقی و بیشتر نواحی مرکزی، جمعیت پراکنده‌ای دارد. با فرض تقسیم ایران به دو نیمه شمالی - جنوبی به وسیله مدار ۳۲ درجه و دو نیمه شرقی غربی به وسیله نصف النهار ۵۳/۵ درجه، مشاهده می‌شود که حدود $\frac{2}{3}$ جمعیت ایران در نیمه شمالی و حدود $\frac{1}{3}$ در نیمه جنوبی و بیش از $\frac{2}{3}$ در نیمه غربی و کمتر از $\frac{1}{3}$ در نیمه شرقی زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر به موازات افزایش عرض جغرافیائی و دوری از خط استوا از جنوب به شمال، جمعیت ایران تراکم بیشتری می‌یابد و به موازات افزایش طول جغرافیائی از غرب به شرق، از تراکم جمعیت کاسته می‌شود. دو خط مداری و نصف النهاری یادشده، ایران را به چهار قسمت یا چهار چارک غیر مساوی تقسیم می‌کنند. تراکم جمعیت در درجه اول در چارک شمال غربی با بیش از نیمی از جمعیت ایران و در درجه بعد، در چارک جنوب غربی با کمتر از $\frac{1}{3}$ جمعیت ایران مشاهده می‌شود. چارک‌های شمال شرقی و جنوب شرقی هر یک حدود $\frac{1}{8}$ از جمعیت را در خود جای داده‌اند.

نقشه شماره ۱ - پراکندگی تقریبی جمعیت ایران



۲- توزیع بر حسب نواحی جغرافیائی :

محیط و شرایط جغرافیائی در ایران دارای تنوع بسیار است و هر ناحیه جغرافیائی دارای ویژگیهای از نظر آب و هوا (میزان و فصل بارندگی، درجه حرارت، رطوبت، فشار و باد) پوشش گیاهی و نوع خاک می باشد که آنرا از سایر نواحی متمایز می کند. این شرایط خود تحت تأثیر مجموعه عوامل دیگری از قبیل طول و عرض جغرافیائی، دوری و نزدیکی به دریا، ارتفاع یا پستی و بلندی و مقتضیات یا موقعیت محلی است. با توجه به عوامل مذکور می توان سرزمین ایران را به نواحی مختلفی تقسیم کرد. در زیر ایران را به هفت ناحیه جغرافیائی تقسیم کرده ایم. این تقسیم بندی با در نظر گرفتن شرایط جغرافیائی و محدودیتهای داده های جمعیتی و اطلاعات مورد لزوم در مورد وسعت و تعداد جمعیت هر ناحیه صورت گرفته است. مسأله ای که در بررسی توزیع جمعیت در مناطق مختلف جغرافیائی وجود دارد، عدم انطباق آمارهای جمعیتی و مساحتها بر مبنای تقسیمات کشوری (محدوده استانها و شهرستانها) با تقسیمات مناطق جغرافیائی است. از این روی در این تقسیمات مرز و حدود بین مناطق جغرافیائی تقریبی است و قسمتهائی از یک ناحیه جغرافیائی ممکن است در داخل ناحیه دیگری باشد :

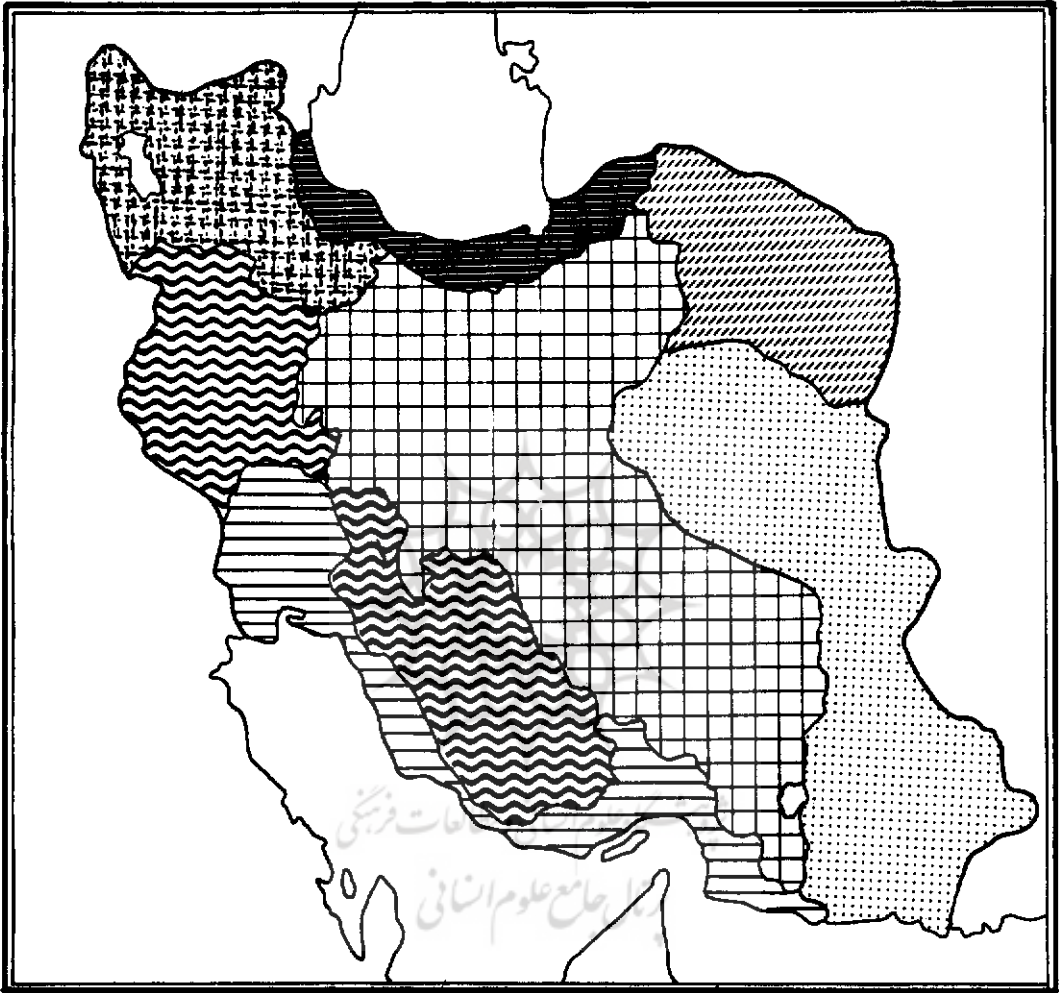
- ۱- ناحیه شمالی : شامل استانهای گیلان و مازندران .
- ۲- ناحیه شمال غربی : شامل استانهای آذربایجان شرقی و غربی و زنجان .
- ۳- ناحیه کوهپایه ها و دشتهای مرکزی : شامل استانهای تهران، مرکزی، سمنان، اصفهان، یزد و کرمان .
- ۴- ناحیه زاگرس : شامل استانهای همدان، کردستان، باختران، لرستان، ایلام، چهارمحال بختیاری، فارس و کهگیلویه و بویراحمد .
- ۵- ناحیه نوار ساحلی جنوب : شامل استانهای خوزستان، بوشهر و هرمزگان .
- ۶- ناحیه شرق و جنوب شرقی : شامل استان سیستان و بلوچستان و قسمتهائی از استان خراسان (شهرستانهای بیرجند، طبس، گناباد و فردوس).

۷- ناحیه شمال شرقی: شامل بقیه استان خراسان.

توزیع جمعیت ایران در نواحی جغرافیائی فوق در سال ۱۳۶۵ به شرح زیر بوده است: ناحیه شمالی پرتراکمترین ناحیه از نظر جمعیت بوده و در هر کیلومتر مربع آن ۸۹/۱۷ نفر زندگی می کرده اند. این ناحیه با وسعتی حدود ۳/۸ درصد، ۱/۱ درصد از کل جمعیت را در خود داشته است. بعد از ناحیه مذکور ناحیه شمال غربی قرار دارد با ۵۲/۱۳ نفر در کیلومتر مربع و با وسعتی برابر ۸/۹ درصد و ۱۵/۵ درصد جمعیت کل کشور. در مقابل دو ناحیه مذکور که در مجموع نزدیک به ۲۷ درصد از جمعیت ایران را در خود جای داده اند، ناحیه کم جمعیت جنوب شرقی قرار دارد که وسعتی بیش از ۲۱ درصد مساحت و ۳/۶ درصد جمعیت ایران را داراست. نواحی کوهپایه ها و دشتهای مرکزی جنوب شرقی و شمال شرقی جمعیت نسبتاً متوسطی را دارند. (جدول شماره ۱) در مجموع می توان سه نوع منطقه به نسبت پر جمعیت (ناحیه شمالی و شمال غربی)، دارای جمعیت متوسط (ناحیه کوهپایه ها و دشتهای مرکزی، ناحیه زاگرس و ناحیه شمال شرقی و ناحیه نوار ساحلی جنوب)، و ناحیه کم جمعیت (ناحیه شرق و جنوب شرقی) در ایران تشخیص داد. در جدول شماره ۱ مساحت، جمعیت، تراکم جمعیت و نسبت جمعیت به مساحت در نواحی مختلف آمده است. (نقشه شماره ۲) قابل ذکر است که قسمتهائی از نواحی پر جمعیت یا دارای جمعیت متوسط، جمعیت پراکنده و بسیار کمی دارند، و یا ممکن است در قسمتهائی از نواحی کم جمعیت، تراکم جمعیت دیده شود. با کمی تأمل می توان با یک خط فرضی، قسمتهای کم جمعیت ایران را در شرق، مرکز و جنوب شرقی از سایر نقاط جدا کرد. این خط فرضی از جنوب تایباد واقع در مرکز ایران و افغانستان بطرف شمال غربی تا جنوب کاشمر به جنوب سبزوار و شاهرود و دامغان کشیده شده و سپس در جهت جنوب شرقی در حاشیه شمالی دشت کویر تا سمنان و گرمسار و دریاچه قم ادامه می یابد و از آنجا به طرف جنوب تا کاشان و در جهت جنوب شرقی و شرق اصفهان به آباده و سپس به سیرجان و از آنجا به خط مستقیم به بندرعباس می رسد. (نقشه شماره ۱۰) در داخل این خط فرضی، جمعیت جز در نقاط

۴۰ فصلنامه تحقیقات جغرافیائی

نقشه شماره ۲ - تراکم جمعیت در محدوده تقریبی نواحی جغرافیائی - ۱۳۶۵



۳۱/۳ نفر در کیلومتر مربع



= = = ۲۵



= = = ۵



۸۹/۲ نفر در کیلومتر مربع



= = = ۵۲/۱



= = = ۳۶/۳



= = = ۳۲/۹



توزیع مکانی جمعیت ایران ۴۱

جدول شماره ۱ - توزیع جمعیت در نواحی مختلف جغرافیایی - ۱۳۶۵

جمعیت بمساحت	جمعیت در کیلومتر مربع	درصد	مقدار مساحت به کیلومتر مربع	درصد	تعداد جمعیت	
۱	۳۰	۱۰۰	۱۶۴۸۳۷۷	۱۰۰	۴۹۴۴۵۰۱۰	جمع
۲/۹	۸۹/۱۷	۳/۸۰	۶۲۰۸۴	۱۱/۱	۵۵۰۰۳۷۳	ناحیه شمالی ناحیه
۱/۷	۵۲/۱۳	۸/۹	۱۴۷۲۱۸/۷	۱۵/۵	۷۶۷۴۳۶۱	شمال غربی ناحیه کوهپایه‌ها و
۱	۳۱/۳۱	۳۰/۵	۵۰۳۶۲۹/۴	۳۱/۸	۱۵۷۰۳۱۳۳	دشتهای مرکزی
۱/۲	۳۶/۳۴	۱۶/۹	۲۷۸۷۲۴/۷	۲۰/۳	۱۰۰۳۳۱۰۲	ناحیه زاگرس ناحیه نوار
۰/۸	۲۴/۹۷	۹/۸	۱۶۱۸۰۵/۴	۸/۲	۴۰۵۶۳۶۷	ساحلی جنوب ناحیه
۱/۱	۳۲/۹	۸/۷	۱۴۲۹۲۸/۲	۹/۵	۴۷۰۲۳۱۴	شمال شرقی ناحیه شرق و
۰/۲	۵/۰۴	۲۱/۴	۳۵۱۹۸۷	۳/۶	۱۷۷۵۳۵۰	جنوب شرقی

مآخذ: نتایج تفصیلی سرشماری نفوس مسکن، کل کشور، مهرماه ۱۳۶۵، تازه‌های آمار، شماره ۷ شهریور ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.

شهری و اطراف دریاچه هامون و بندرعباس بسیار پراکنده است و فقط سه شهر بزرگ کرمان، یزد و زاهدان در آن قرار دارد.

۳- تراکم حسابی (عددی):

تراکم حسابی یا جمعیت نسبی از تقسیم تعداد کل جمعیت به مساحت

* مقایسه تعداد جمعیت به مساحت (درصد جمعیت تقسیم بر درصد مساحت)

به دست می آید. در سال ۱۳۳۵ تراکم حسابی جمعیت ایران ۱۱/۵ نفر در کیلومتر مربع و در سال ۴۵، ۱۵/۶ نفر در کیلومتر مربع، در سال ۱۳۵۵، ۲۰/۴ و طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۶۵ تراکم حسابی ۳۰ نفر در کیلومتر مربع بوده است.

از نظر تراکم حسابی جمعیت نیز، اختلاف زیادی بین استانهای مختلف ایران مشاهده می شود. طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ بالاترین تراکم در استان تهران با ۳۰۰/۵ نفر و در مقابل، کمترین میزان تراکم حسابی در استان سمنان، ۴/۶ نفر در کیلومتر مربع بوده است. بعد از استان تهران، استان گیلان، استان همدان، استان مازندران به ترتیب با ۱۴۱/۵، ۷۶/۱ و ۷۲/۲ نفر در کیلومتر مربع پرتراکم ترین استانهای کشور و بعد از استان سمنان، استانهای سیستان و بلوچستان و یزد با ۶/۶ و ۸/۲ نفر در کیلومتر مربع کم تراکم ترین استانهای ایران بوده اند (نقشه شماره ۳ و جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲ - توزیع جمعیت در استانهای کشور - ۱۳۶۵

نام استان	مساحت کیلومتر مربع	درصد مساحت	تعداد جمعیت	درصد جمعیت	جمعیت به مساحت	تراکم حسابی
کل کشور	۱/۶۴۸/۳۷۷	۱۰۰	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۱۰۰	۳۰	
تهران	۲۸۹۹۳/۴	۱/۷۶	۸/۷۱۲/۰۸۷	۱۷/۶۲	۱۰	۳۰۰/۴۸
مرکزی	۳۰۰۲۰	۱/۸۲	۱/۰۸۲/۱۰۹	۲/۱۹	۱/۲	۳۶/۰۵
گیلان	۱۴۷۰۹	۰/۸۹	۲/۰۸۱/۰۲۷	۴/۲۱	۴/۷	۱۴۱/۴۸
مازندران	۴۷۳۷۵	۲/۸۷	۳/۴۱۹/۳۴۶	۶/۹۲	۲/۴	۷۲/۱۸
آذربایجان شرقی	۶۷۱۰۲/۴	۴/۰۷	۴/۱۱۴/۰۸۴	۸/۳۲	۲	۶۱/۳۱
آذربایجان غربی	۴۳۷۱۸	۲/۶۵	۱/۹۷۱/۶۷۷	۳/۹۹	۱/۵	۴۶/۱
باختران	۲۳۶۶۶/۵	۱/۴۴	۱/۴۶۲/۹۶۵	۲/۹۶	۲	۶۱/۸۱

توزیع مکانی جمعیت ایران ۴۳

تراکم حسابی	جمعیت به مساحت	درصد جمعیت	تعداد جمعیت	درصد مساحت	مساحت کیلومتر مربع	نام استان
۳۹/۸۶	۱/۳	۵/۴۲	۲/۶۸۱/۹۷۸	۴/۰۸	۶۷۲۸۲	خوزستان
۲۳/۹۶	۰/۸	۶/۴۶	۳/۱۹۳/۷۶۹	۸/۰۸	۱۳۳۲۹۸	فارس
۹/۰۲	۰/۳	۳/۲۸	۱/۶۲۲/۹۵۸	۱۰/۹۱	۱۷۹۹۱۶	کرمان
۱۶/۸۵	۰/۵	۱۰/۶۸	۵/۲۸۰/۶۰۵	۱۹/۰۱	۳۱۳۳۳۷/۲	خراسان
۳۱/۴۸	۱	۶/۶۶	۳/۲۹۴/۹۱۶	۶/۳۵	۱۰۴۶۵۰	اصفهان
۶/۵۹	۰/۲	۲/۴۲	۱/۱۹۷/۰۵۹	۱۱/۰۲	۱۸۱۵۷۸	سیستان و بلوچستان
۴۳/۱۴	۱/۴	۲/۱۸	۱/۰۷۸/۴۱۵	۱/۵۲	۲۴۹۹۸	کردستان
۷۶/۱۱	۲/۵	۳/۰۵	۱/۵۰۵/۸۲۶	۱/۲	۱۹۷۸۴	همدان
۴۲/۴۴	۱/۴	۱/۲۸	۶۳۱/۱۷۹	۰/۹	۱۴۸۷۰/۳	چهارمحال و بختیاری
۴۷/۴۶	۱/۶	۲/۷۷	۱/۳۶۷/۰۲۹	۱/۷۵	۲۸۸۰۳/۲	لرستان
۲۰/۰۶	۰/۵	۰/۷۷	۳۸۲/۰۹۱	۱/۱۶	۱۹۰۴۴	ایلام
۲۸/۸۸	۱	۰/۸۳	۴۱۱/۸۲۸	۰/۸۶	۱۴۲۶۱	کهگیلویه و بویراحمد
۲۲/۱۴	۰/۷	۱/۲۴	۶۱۲/۱۸۳	۱/۶۸	۲۷۶۵۳	بوشهر
۴۳/۲۹	۱/۴	۳/۲۱	۱/۵۸۸/۶۰۰	۲/۲۱	۳۶۳۹۸/۳	زنجان
۴/۶۳	۰/۳	۰/۸۴	۴۱۷/۰۳۵	۵/۴۶	۹۰۰۳۹	سمنان
۸/۲	۰/۳	۱/۱۶	۵۷۴/۰۲۸	۴/۲۵	۷۰۰۱۱	یزد
۱۱/۴	۰/۴	۱/۵۴	۷۶۲/۲۰۶	۴/۰۶	۶۶۸۷۰/۴	هرمزگان

مآخذ: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، کل کشور، مهرماه ۱۳۶۵ و تازه‌های

آمار، شماره ۷، شهریور ۱۳۶۶.

نقشه شماره ۳ - تراکم حسابی جمعیت در استانها - ۱۳۶۵



۴- تراکم زیستی (بیولوژیک) :

چنانچه می‌دانیم تراکم حسابی نمی‌تواند ملاک مناسبی برای تشخیص تراکم جمعیت يك منطقه باشد. عامل جمعیت جزئی از چهار اصل تشکیل دهنده محیط زیست به‌شمار می‌رود که همراه با منابع طبیعی، تکنولوژی و تشکیلات اجتماعی و فرهنگی عوامل سازمان‌دهنده محیط زیست انسانی‌اند. درجه تراکم و پراکندگی جمعیت باید با توجه به کلیه امکانات و شرایط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی معلوم شود. در کشورهای که جمعیت بیشتر از راه کشاورزی زندگی می‌کنند و اراضی کشاورزی نقش مهمی در معیشت آنها دارد، از شاخص دیگری استفاده می‌کنند و آن تراکم بیولوژیک جمعیت است. به کمک آن معلوم می‌شود که نسبت جمعیت يك ناحیه به زمینهای زیر کشت آن چقدر است و به عبارت دیگر، فشار جمعیت در هر هکتار از زمینهای زراعی که به نحوی از انحاء در کشاورزی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، چگونه است.^۱ حدود نیمی از کشور ایران را زمینهای غیر قابل عمران تشکیل می‌دهد که شامل کوهها، کویرها، دریاچه‌ها و باتلاقهاست. حدود ۲۰ درصد را نیز جنگلها و بیشه‌ها، مراتع، شهرها و راهها اشغال کرده‌اند. ۲۰ درصد هم شامل اراضی بایر قابل عمران از جمله مراتع درجه ۲ و ۳ می‌شود. بنابراین تنها ۱۰ درصد از اراضی کل کشور زمینهای قابل کشت است. (جدول شماره ۹) طبق آمار کشاورزی سال ۱۳۵۸، مجموع زمینهای آبی و دیم ۱۵۹۰۸۰ کیلومتر مربع و یا حدود ۱۶ میلیون هکتار بوده است که ۵۹۹۲۰ کیلومتر مربع آن را زمینهای آبی و بقیه را اراضی دیم تشکیل می‌داده است. بر مبنای آمار کشاورزی مزبور و آمار جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ تراکم بیولوژیک یا نسبت جمعیت به اراضی آبی در کل کشور به‌طور متوسط ۸۲۵/۲ نفر در کیلومتر مربع یا ۸/۲ نفر در هکتار بوده است.^۲ ولی با توجه

۱- زنجانی، حبیب‌الله و، جمعیت‌شناسی تطبیقی جهان، مؤسسه مطالعات

و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۰.

۲- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، کل کشور، مهرماه ۱۳۶۵

و سالنامه آماری ۱۳۶۳، مرکز آمار ایران.

به این واقعیت که ایران يك کشور کشاورزی صرف نیست و در حال حاضر کمتر از نیمی از جمعیت آن از راه کشاورزی امرار معاش می کنند و روز-بروز از نسبت جمعیت وابسته به زمین و کشاورزی کم شده و به بخشهای دیگر یعنی صنعت و خدمات اضافه می شود و با توجه به اینکه ارزش اقتصادی بویژه میزان و نوع محصول زمینهای کشاورزی نیز در رابطه با مقدار آب، نوع آب و هوا و جنس خاک، تفاوت زیادی دارد، تراکم بیولوژیک نیز نمی تواند معیار درستی برای بررسی روابط انسان با محیط زیست او باشد.

جدول شماره ۳ - توزیع اراضی کل کشور

درصد	مساحت - کیلومتر مربع	نوع اراضی
۵/۶	۹۲۱۲۰	زیرکشت و گیاهان دائمی
۳	۴۹۲۹۰	آیش
۰/۱	۱۶۰۰	مراتع مصنوعی
۰/۶	۱۰۰۰۰	بیشه
۷/۷	۱۲۷۰۰۰	جنگل طبیعی
۵/۴	۹۰۰۰۰	مراتع طبیعی
۲۰	۳۳۰۰۰۰	بایر قابل عمران
۴۹/۷	۸۱۸۰۰۰	غیر قابل عمران
۷/۲	۱۱۸۳۴۰	شهرها و راهها
۰/۷	۱۲۰۰۰	بستر رودخانه و دریاچه
۱۰۰	۱۶۴۸۳۷۷	جمع

۵- توزیع جمعیت با توجه به روستانشینی، شهرنشینی و کوچ‌نشینی:

معیارهای مختلفی برای تفکیک جمعیت به شهرنشین، روستانشین و کوچ‌نشین (عشایری) وجود دارد. از جمله نوع اشتغال و فعالیت، چگونگی روابط اجتماعی، نوع معیشت و تعداد جمعیت. در ایران تا سالهای اخیر معیار تمایز نقاط شهری از روستائی تعداد جمعیت بود و در سرشماری سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵ نقاط دارای کمتر از پنج هزار نفر روستا و بیش از پنج هزار نفر، شهر به حساب آمده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ نقاط دارای شهرداری، شهر و محلهائی که فاقد شهرداری بودند، روستا خوانده شدند و بر این اساس معیار اداری جانشین معیار آماری شد. در صورتی که ایجاد شهرداری در مناطق مختلف کشور صرفاً به دلیل نیاز به تأسیسات و امکاناتی از قبیل خیابان، برق، آب و فاضلاب نبوده باشد، معیار وجود شهرداری را می‌توان دلیل تغییر ساخت اقتصادی - اجتماعی و نوع معیشت دانست و بر معیار قبلی آماری (تعداد جمعیت) ترجیح داد.

جمعیت عشایری در چهار سرشماری انجام شده جزو جمعیت روستائی به حساب آمده و اگر ارقام جداگانه‌ای از جمعیت عشایری در سالنامه‌های آماری یا دفاتر سرشماری آمده باشد تنها شامل جمعیت در حال کوچ در زمان سرشماری است. در زیر ابتدا جمعیت شهرنشین و روستانشین (از جمله عشایری) و سپس جمعیت عشایری جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - نسبت شهرنشینی - روستانشینی:

تخمین‌ها و برآوردهائی که قبل از سال ۱۳۳۵ بعمل آمده حاکی است که تا سال ۱۳۲۰ نسبت‌های شهرنشینی - روستانشینی به کندی تغییر یافته‌است. طبق برآورد صنیع الدوله در سال ۱۲۵۲ هـ ش حدود ۱۳ درصد از کل جمعیت ایران شهرنشین، ۴۴ درصد روستانشین و ۴۳ درصد بقیه کوچ‌نشین بوده‌اند. شیندلر این نسبت‌ها را در سال ۱۲۶۲ هـ ش به ترتیب ۲۶، ۴۹، ۲۵ درصد و کرزن در سال ۱۲۷۰، ۲۵، ۵۰ و ۲۵ درصد ذکر کرده‌است.^۳ طبق محاسبات

جولیان باریر نسبت شهرنشینی در سال ۱۲۸۰ هـ ش ۲۱ درصد و روستانشینی (از جمله عشایری) ۷۹ درصد بوده که تا سال ۱۳۳۵ به کندی تغییر یافته است.^۴ نتایج سرشماریهای سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵ و ۶۵ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۵ شهرنشینی سرعت یافته و نسبت آن به ترتیب از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۸ درصد در سال ۴۵ و ۴۶/۸ درصد در سال ۵۵ و ۵۴/۳ درصد در سال ۶۵ (با معیار اداری داشتن شهرداری) رسیده است.^۵

جدول شماره ۴ - تغییرات نسبت (درصد) شهرنشینی روستانشینی از سال ۱۲۵۲ تا ۱۳۶۵ شمسی

روستانشینی*	شهرنشینی	سال
۸۷	۱۳	۱۲۵۲
۷۹	۲۱	۱۲۸۱
۷۹	۲۱	۱۳۱۳
۷۸	۲۲	۱۳۲۰
۶۸/۶	۳۱/۴	۱۳۳۵
۶۲	۳۸	۱۳۴۵
۵۳/۲	۴۶/۸	۱۳۵۵
** ۴۵/۷	۵۴/۳	۱۳۶۵

مآخذ: سال ۱۳۵۲، پیش‌بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران، سالهای ۱۲۸۱، ۱۳۱۳ و ۱۳۲۰ اقتصاد ایران.
 = ۲۵، ۴۵، ۵۵ و ۶۵ نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن.

۴- باریر، جولیان، اقتصاد ایران، ص ۳۶.

۵- نتایج سرشماریهای سال ۳۵، ۴۵، ۵۵ و ۶۵ کل کشور.
 * از جمله عشایری.

** از جمله ۵/۵ درصد جمعیت غیرساکن (متحرک).

ب - نقاط شهری - روستائی :

در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی حدود یکصد نقطه شهری با بیش از ۵ هزار نفر جمعیت، در ایران وجود داشته که در سال ۱۳۳۵ به ۱۹۹ و در سال ۴۵ به ۲۷۰ و در سال ۵۵ به ۳۷۳ نقطه شهری افزایش یافته است.^۶ بر مبنای نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۶۵، کل کشور، در سال مذکور تعداد ۴۹۶ نقطه شهری (دارای شهرداری) در ایران وجود داشته است. در توزیع فضائی جمعیت شهری آنچه اهمیت دارد، متمرکز شدن جمعیت در شهرهای بزرگ به ویژه در چند دهه اخیر است. به ترتیبی که در سال ۱۳۶۵، ۶۷ درصد یا حدود $\frac{۲}{۳}$ جمعیت شهری ایران در ۴۱ شهر پر جمعیت (۱۰۰ هزار نفر و بیشتر) و تنها حدود $\frac{۱}{۳}$ بقیه در ۳۵۵ نقطه شهری (کمتر از ۱۰۰ هزار نفر) زندگی می کرده اند. سهم تهران به تنهایی حدود ۲۵ درصد کل جمعیت شهری بوده و ۶ شهر بزرگ دیگر (مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز و باختران) نیز حدود ۲۰ درصد از جمعیت شهری را دارا بوده اند. در این صورت هر چند مقایسه نتایج سرشماریها، نشان می دهد که تعداد نقاط شهری کم جمعیت ۵ تا ۱۰ هزار نفری افزون شده و تعداد نقاط بین ۱۰ تا ۲۵ هزار نفری نیز رشد چشمگیری داشته، ولی تمرکز جمعیت بیشتر در شهرهای درجه یک صورت گرفته است. (جدول شماره ۵).

از تعداد نقاط روستائی ایران قبل از سال ۱۳۳۵ اطلاع دقیقی در دست نیست. باریر تعداد نقاطی را که در سال ۱۲۷۹ دارای جمعیتی بین ۵۰ تا کمتر از ۵۰۰۰ نفر بوده اند ۳۱۷۸۰ ذکر کرده است.^۷ تعداد نقاط روستائی کمتر از ۵ هزار نفری ایران در سال ۱۳۳۵ به تقریب ۴۹/۰۰۰ نفر بوده که در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۲ هزار عدد افزایش یافته است. به نظر می رسد که تا قبل از سال ۱۳۳۵ تعداد روستاها (تا اندازه ای به علت ساکن شدن عشایر) سر یعتراز تعداد شهرها افزایش یافته و رشد برخی شهرها بیشتر به سبب مهاجرت از

۶- در سالهای ۳۵، ۴۵ و ۵۵ به ترتیب ۱۳، ۲۱ و ۶ نقطه کمتر از ۵۰۰۰ نفری

بدلیل مرکز شهرستان بودن شهر به حساب آمده اند .

۷- باریر، جولیان، اقتصاد ایران، ص ۴۶ .

۵۰ فصلنامه تحقیقات جغرافیائی

شهرهای دیگر بوده است. اما در دهه های بعد، به علت افزایش مهاجرت از روستا به شهر، تعداد شهرها سریعتر از روستاها افزایش یافته است. طبقه بندی روستاهای ایران در سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که اکثریت جمعیت روستائی

جدول شماره ۵ - طبقه بندی جمعیت شهرهای ایران^۸

۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		طبقه بندی جمعیتی
درصد جمعیت	تعداد	درصد جمعیت	تعداد	درصد جمعیت	تعداد	
۶۷	۴۱	۲۸/۶	۱	۲۹/۲	۱	یک میلیون نفر و بیشتر
		۱۲/۱	۳	-	-	۵۰۰ هزار تا کمتر از یک میلیون
		۸/۵	۴	۱۹	۵	۲۵۰ هزار تا کمتر از ۵۰۰ هزار
		۱۳/۶	۱۵	۱۲/۴	۸	۱۰۰ هزار تا کمتر از ۲۵۰ هزار
۱۱/۷	۴۶	۹/۷	۲۲	۹/۴	۱۳	۵۰ هزار تا کمتر از ۱۰۰ هزار
۸/۶	۶۷	۹/۷	۴۵	۱۱/۷	۲۵	۲۵ هزار تا کمتر از ۵۰ هزار
۸/۶	۱۴۵	۱۰/۴	۱۰۹	۱۱/۷	۶۴	۱۰ هزار تا کمتر از ۲۵ هزار
۳/۱	۱۱۳	۷/۳	۱۶۸	۶/۶	۹۷	۵ هزار تا کمتر از ۱۰ هزار
۱	۸۴	۰/۱	۶	*	۲۱	کمتر از ۵ هزار (مرکز شهرستان در سالهای ۴۵ و ۵۵)
۱۰۰	۴۹۶	۱۰۰	۳۷۳	۱۰۰	۲۷۰	جمع

مآخذ: تحول شهرنشینی در ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۵۸ و نتایج سرشماریهای

مهر ماه ۱۳۶۵.

۸- در سال ۵ و ۵۰ معیار تفکیک نقاط شهری از روستائی دارا بودن جمعیت

بیش از ۵ هزار نفر و در سال ۶۰ معیار داشتن شهرداری بوده است.

* در جمعیت شهرهای ۵ هزار تا کمتر از ۱۰ هزار محاسبه شده است.

توزیع مکانی جمعیت ایران ۵۱

جدول شماره ۶ - طبقه‌بندی جمعیت آبادیهای کشور^۹

۱۳۶۵			۱۳۵۵			طبقه بندی جمعیتی
درصد جمعیت	جمعیت	تعداد	درصد	جمعیت (هزار)	تعداد	
۱۰۰	۲۲۳۹۴۳۹۶	۶۵۴۸۵	۱۰۰	۱۷۴۴۹	۶۶۰۵۵	جمع آبادیهای مسکون
۷/۷	۱۷/۲۶۵۳۵	۱۹۴	۰	۰	۰	۵۰۰۰ نفر و بیشتر
۱۱/۶	۲۶۰۴۴۶۹	۷۸۲	۹/۲	۱۶۱۲	۴۸۴	۲۵۰۰ - ۴۹۹۹ نفر
۲۶/۲	۵۸۷۷۹۹۲	۳۹۳۳	۲۲/۹	۳۹۹۰	۲۷۳۵	۱۰۰۰ - ۲۴۹۹ نفر
۲۲/۳	۴۹۹۲۱۵۲	۷۱۴۵	۲۴/۷	۴۳۰۶	۶۲۴۴	۵۰۰ - ۹۹۹
۲۷/۵	۶۱۵۲۲۶۹	۲۵۱۵۹	۳۶/۸	۶۴۲۸	۲۶۴۸۰	۱۰۰ - ۴۹۹
۲/۹	۶۴۹۹۱۲	۸۹۷۳	۴	۷۰۶	۹۷۵۸	۵۰ - ۹۹
۱/۲	۲۵۸۰۶۳	۷۱۲۳	۱/۶	۲۷۲	۷۵۰۰	۲۵ - ۴۹
۰/۶	۱۳۳۰۰۴	۱۲۱۷۶	۰/۸	۱۳۵	۱۱۶۵۴	۱ - ۲۴
۰	۰	۳۸۶۱۳	۰	۰	۲۶۹۵۲	خالی از سکنه
۱۰۰	۲۲۳۹۴۳۹۶	۱۰۴۰۹۸	۱۰۰	۱۷۴۴۹	۹۲۰۰۷	جمع آبادیها

مآخذ: سالنامه آماری ۱۳۶۳ کشور و نتایج سرشماری مهرماه ۱۳۶۵.

ایران (۷۶ درصد) در نقاطی زندگی می‌کنند که بین ۱۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد و سهم نقاط بیش از ۲۵۰۰ یا کمتر از ۱۰۰ نفر، ۲۴ درصد بوده است. در این سال ۲۷/۵ درصد یا بیش از $\frac{1}{4}$ جمعیت روستائی در نقاط دارای ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفری زندگی می‌کرده‌اند.

ج- رشد جمعیت شهری - روستائی:

به نظر می‌رسد که تا قبل از سال ۱۳۰۰ هـ.ش به علت همسانی میزانهای

۹- در سال ۵۵ معیار تفکیک نقاط روستائی از شهری دارا بودن جمعیت کمتر از

۵ هزار نفر و در سال ۶۵ نداشتن شهرداری بوده است.

مرگ‌ومیر و موالید در شهر و روستا و کندی تحرك و جابجائی جمعیت، میزان رشد جمعیت در نقاط شهری و روستائی به تقریب برابر یکدیگر بوده است، این میزان برای سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ ه.ش بین ۶/۰ تا ۸/۰ درصد برآورد شده است. میزان موالید در شهر و روستا در سطح بالا و در حد باروری فیزیولوژیک بوده است. روشهای جدید جلوگیری از باروری معمول نبوده و تنها در اواخر دوره قاجاریه گزارشهایی از بکارگیری برخی شیوه‌ها در طبقات بالا در دست است. احتمالاً برخی روشهای سنتی برای فاصله‌گذاری بین فرزندان رواج داشته است. بالا بودن میزان مرگ‌ومیر، بویژه مرگ‌ومیر نوزادان و بروز قحطی‌ها و بیماریهای مسری، میزان بالای موالید را خنثی می‌کرده است. میزان مرگ‌ومیر بویژه مرگ‌ومیر نوزادان در روستاها بیش از شهرها بوده، ولی در عوض شهرها در مقابل بیماریهای واگیر آسیب‌پذیرتر بوده و به علت تمرکز جمعیت، تلفات بیشتری داشته‌اند. به نظر باریب می‌توان برای موالید در مناطق شهری و روستائی ایران در بین سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ ه.ش میزانهای تقریبی ۴۵-۵۵ در هزار و برای مرگ‌ومیر معمولی میزانهای تقریبی ۴۵-۳۵ در هزار و برای مرگ‌ومیر ناشی از قحطی‌ها و خشکسالیها بطور متوسط میزان ۲ تا ۴ در هزار را در نظر گرفت^{۱۰}. از سال ۱۳۰۰ تا حدود سال ۱۳۱۳ رشد جمعیت ایران چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستائی بدلیل کاهش میزان مرگ‌ومیر تقریباً به یک اندازه افزایش یافته است. پس از سال ۱۳۱۳ بین نرخ رشد جمعیت شهری و جمعیت روستائی و بین رشد جمعیت شهری و جمعیت کل کشور بطور فزاینده‌ای فاصله افتاده که نشان‌دهنده افزایش نرخهای خالص مهاجرت از روستاها به شهرهاست. ضمناً میزان موالید و مرگ‌ومیر در مناطق شهری و روستائی نیز تغییر یافته است. کاهش موالید در شهرها بیش از روستاها بوده و به رغم همه گیر شدن مبارزه با مرگ‌ومیر تا زمان حاضر نیز میزان مرگ‌ومیر بویژه مرگ‌ومیر نوزادان در روستاها بیش از شهرهاست، برآورد شده است که در فاصله سالهای ۱۳۱۳-۱۳۰۶ رشد جمعیت شهری و روستائی ایران

توزیع مکانی جمعیت ایران ۵۳

تقریباً برابر و حدود ۱/۵ درصد و بین سالهای ۱۳۱۹-۱۳۱۴ رشد جمعیت شهری ۲/۳ و رشد جمعیت روستائی ۱/۳ درصد در سال بوده است. در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۲۰ رشد جمعیت شهری ۴/۴ و رشد جمعیت روستائی ۱/۴ درصد در سال برآورد شده است^{۱۱}. مقایسه نتایج سرشماریهای عمومی نفوس مسکن نشان می‌دهد که در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵، ۱۳۴۵-۱۳۵۵ و ۱۳۵۵-۱۳۶۵ جمعیت شهری رشدی به مراتب بیش از جمعیت روستائی داشته و رشد سالانه آن در فواصل مذکور به ترتیب ۵/۱، ۴/۸ و ۴/۵ درصد و رشد جمعیت روستائی در همان فواصل زمانی ۲/۱، ۱/۲ و ۲/۳ درصد در سال بوده است. (جدول شماره ۷)

نظری به رشد جمعیت شهری ایران نشان می‌دهد که میزان آن به مراتب بیش از رشد طبیعی (یا به عبارت دیگر رشد ناشی از تفاوت موالید و مرگ و میر) می‌باشد. در افزایش رشد جمعیت شهری ایران گذشته از رشد طبیعی سه عامل دیگر مؤثر بوده است: مهاجرت از مناطق روستائی، تغییر محدوده جغرافیائی شهرها و اضافه شدن جمعیت روستائی حومه شهرها به جمعیت

جدول شماره ۷ - مقایسه رشد جمعیت مناطق شهری و روستائی

دوره محاسبه رشد	کل کشور	مناطق شهری	مناطق روستائی
۱۲۷۹ - ۱۳۰۵	۵/۸	۵/۸	۵/۸
۱۳۰۶ - ۱۳۱۳	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱۳۱۴ - ۱۳۱۹	۱/۵	۲/۳	۱/۳
۱۳۲۰ - ۱۳۲۵	۲/۲	۴/۴	۱/۴
۱۳۲۵ - ۱۳۳۵	۳/۱	۵/۱	۲/۱
۱۳۳۵ - ۱۳۴۵	۲/۷	۴/۸	۱/۲
۱۳۴۵ - ۱۳۶۵	۳/۹	۵/۴	۲/۳

مآخذ: اقتصاد ایران و نتایج سرشماریهای سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵ و ۶۵ کل کشور.

شهری و تبدیل شدن مناطق روستائی به شهرها بدلیل رسیدن جمعیت نقاط کمتر از ۵ هزار نفر به حدنصاب آماری ۵۰۰۰ نفر .
 برای مثال، جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۴۵ حدود ۹/۷۹۴۰۰۰ نفر بوده که در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۵/۸۵۴/۰۰۰ نفر رسیده، یا به عبارت دیگر در مدت ده سال بیش از ۶ میلیون نفر به جمعیت شهری ایران اضافه شده است. حدود ۲/۶۲۰/۰۰۰ نفر ناشی از رشد طبیعی، حدود ۳ میلیون نفر بدلیل مهاجرت از مناطق روستائی به مناطق شهری و حدود ۳۸۰۰۰۰ نفر به علت ضمیمه شدن جمعیت روستائی محدوده شهرها و ۳۳۷۰۰۰ نفر ناشی از افزون شدن تعداد مناطق شهری بخاطر رسیدن به مرز آماری ۵۰۰۰ نفر بوده است. (جدول شماره ۸)

جدول شماره ۸ - عوامل مؤثر در رشد جمعیت شهری در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵

تعداد جمعیت	عوامل مؤثر
۹۷۹۴۰۰۰	جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۴۵
۱۵۸۵۴۰۰۰	جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۵۵
۶۰۶۰۰۰۰	جمعیت اضافه شده طی سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵
۲۶۲۱۰۰۰	جمعیت اضافه شده ناشی از رشد طبیعی
۳۰۰۲۰۰۰	جمعیت اضافه شده ناشی از مهاجرت از روستاها
۲۸۰۰۰۰۰	جمعیت اضافه شده ناشی از حومه روستائی شهرها
۳۳۷۰۰۰۰	جمعیت اضافه شده ناشی از افزون شدن مناطق شهری

مآخذ: ویژگیهای مهاجرت در ایران و نتایج سرشماریهای سالهای ۴۵ و ۵۵.

د- نظری به جمعیت عشایری ایران:

کوههای زاگرس مهمترین قلمرو زندگی کوچ نشینی در ایران است و طوایف مختلف کرد، لر، بختیاری، قشقائی و ایلات خمسه در این منطقه زندگی می کنند. بعد از ناحیه مذکور منطقه جنوب شرقی بحر خزر و شمال

خراسان، محل زندگی ترکمانان و نواحی آذربایجان شرقی، محل استقرار عشایر ایلسون، مهمترین مناطق عشایری ایران به‌شمار می‌روند. در نواحی مرکزی، شرق و جنوب شرق تعداد کمتری از جمعیت عشایری در جنوب کوه‌های البرز، در اطراف قم و پیرامون کویر و در جنوب شرقی در نواحی اطراف کرمان و سیستان و بلوچستان پراکنده‌اند. تعیین تعداد دقیق جمعیت عشایری ایران با توجه به معیارهای مختلف کوچ‌نشینی، تداخل آنها در جمعیت روستائی و عدم سرشماری جداگانه از آنها کاری مشکل و شاید غیرممکن باشد. معیارهای ارائه‌شده بعضاً وابستگی ایلی، کوچ‌رو بودن (بیلاق و قشلاق کردن) و یا زندگی در چادر را صفت مشخصه زندگی عشایری دانسته‌اند. از این‌روی تعیین مرز بین چادرنشینی بویژه آن دسته از عشایر که نیمه‌یکجانشین شده و در بیلاق یا قشلاق در مساکن معمولی زندگی می‌کنند با روستائیان مشکل می‌شود. مسأله دیگر تحرك و جابجائی جمعیت عشایری در زمانهای سرشماری است که حتی با استفاده از روش دوفاکتو (واقعی) نیز شمارش دقیق آنها را غیرممکن می‌سازد. و از همین روست که مرکز آمار ایران اقدام به سرشماری جداگانه‌ای از جمعیت عشایر کوچ‌رو کرده که نتایج مقدماتی آن در خاتمه این فصل خواهد آمد.

از تعداد جمعیت عشایری ایران در گذشته آمار تخمینی در دست است. طبق برآورد شیندلر، زولو تولیف و کرزن، جمعیت عشایری ایران در دهه ۱۲۶۰ ه.ش حدود ۲۵ درصد از کل جمعیت ۶ الی ۹ میلیونی ایران را تشکیل می‌داده است. (جدول شماره ۹) به‌نظر جولیان باربر از تعداد ۷, ۷۹۰, ۰۰۰ نفر کل جمعیت ایران در سال ۱۲۷۹ ه.ش تعداد ۲, ۴۵۰, ۰۰۰ نفر یا نزدیک به ۲۵ درصد آن عشایری بوده‌اند. در اواخر دهه ۱۳۰۰ و دهه ۱۳۱۰ به‌علت فشارهایی که برای اسکان عشایر اعمال گردید تعداد عشایر کوچنده به یک میلیون نفر کاهش یافت، اما طی دهه ۱۳۲۰ این رقم مجدداً به نزدیک ۲ میلیون نفر رسید^{۱۲}. جمعیت عشایری غیر ساکن در حال کوچ ایران در هنگام سرشماری در سال ۱۳۳۵، ۲۴۴ هزار، در سال ۱۳۴۵، ۶۶۲, ۰۰۰ و در سال

۱۳۵۵، ۳۳۷ هزار نفر بوده است. مسلم است که با قبول حتی یکی از معیارهای سازمان ایلی، کوچرو بودن و زندگی در چادر، تعداد جمعیت عشایری ایران باید بیش از تعداد آمده در نتایج سرشماری بوده باشد. در جدول شماره ۱۰ با معیارهای سازمان ایلی، کوچرو بودن و در حال کوچ در زمان سرشماری، تعداد تقریبی جمعیت عشایری ایران در فاصله سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۵۵ که بوسیله یکی از محققین ایرانی و با استفاده از منابع گوناگون محاسبه شده آمده است.^{۱۳}

مرکز آمار ایران با توجه به کمبودها و نارسائیهای آمارهای جمعیت عشایری و بخاطر برآورد نیازها و برنامه ریزیهای مختلف برای جامعه مذکور، طرح سرشماری جداگانه‌ای بنام سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ایران را در دومرحله (مرحله اول در تابستان ۱۳۶۴ و مرحله دوم در تابستان ۱۳۶۶) به اجرا درآورده که تاکنون نتایج مرحله اول آن منتشر شده است. طبق نتایج اولین مرحله، در تابستان ۱۳۶۴ جامعه عشایری کوچنده کشور شامل ۹۲ ایل و ۴۵۴ طایفه مستقل بوده اند. این ایلهها و طایفه‌های مستقل مجموعاً دارای ۲۳۵۶۳ کوچکترین رده غیرموقت (آخرین رده تقسیمات داخلی ایلی که از تعدادی خانوار که قاعدتاً با یکدیگر بستگی‌های نزدیک خونی داشته و نسبی یا سببی با یکدیگر فامیل اند) و تعداد ۱۸۸۳۵۴ خانوار کوچنده می‌باشد که تعداد ۷۲۹۶ خانوار آنها در بیلاق و ۹۳۵۶۹ خانوار آنها در قشلاق برای استقرار خود از ساختمان استفاده می‌کنند.^{۱۴} جدول شماره ۱۸ تعداد و توزیع جمعیت عشایر کوچنده ایران را در حوزه‌های مختلف سرشماری در سال ۱۳۶۴ نشان می‌دهد.

۱۳- فیروزان، ت، درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران، ایلات و

عشایر (مجموعه کتاب آگاه) ۱۳۶۲.

۱۴- گزیده مطالب آماری، سال سوم، شماره ۱۵، خرداد و تیر ۱۳۶۶، مرکز

توزیع مکانی جمعیت ایران ۵۷

جدول شماره ۹ - برآورد جمعیت عشایری ایران در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی -
هزار نفر

نوع جمعیت	شیندلر	زولوتولیف	کـرزن	صنیع الدوله
	۱۲۶۳	۱۲۶۷	۱۲۷۰	۱۲۵۲
کل جمعیت	۷۶۵۴	۶۰۰۰	۹۰۰۰	۱۱۵۰۰
جمعیت عشایری	۱۹۱۰	۱۵۰۰	۲۲۵۰	۵۰۰۰
درصد از کل	۲۴/۹۵	۲۵	۲۵	۴۳/۴۸

مآخذ: تاریخ اقتصادی ایران و پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران .

جدول شماره ۱۰ - جمعیت عشایری ایران در سالهای مختلف و با توجه به تعاریف گوناگون -
هزار نفر

سال	کل جمعیت	دارا بودن سازمان ایلی	کوچرو بودن	در حال کوچ زمان سرشماری
۱۳۱۶-۷	۱۴۸۷۴	-	۱۰۵۷	-
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	-	-	۲۴۴
۱۳۴۲	۲۱۰۰۰	-	۲۰۰۰	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	-	۲۵۰۰	۴۶۲
۱۳۴۶	۲۶۲۸۴	۴۵۳۸	۱۷۴۱	-
۱۳۵۰	۲۹۴۸۴	۴۵۰۰	۲۰۰۰	-
۱۳۵۳	۳۱۹۵۱	-	۸۷۷	۲۹۷
۱۳۵۴	۳۲۸۱۸	۴۸۲۰	۲۴۱۰	-
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۴۸۰۰	۲۴۰۰	۳۳۷

مآخذ: ایلات و عشایر (مجموعه کتاب آگاه) ۱۳۶۲، ص ۱۶.

جدول شماره ۱۱ - توزیع جمعیت عشایری ایران در حوزه‌های سرشماری در تابستان ۱۳۶۴

مناطق حوزه‌های سرشماری	تعداد ایل	تعداد طایفه	تعداد کوچکترین رده ۱۵	تعداد خانوار	تعداد خانوار استفاده کننده از ساختمان	
					در بیلاق	در قشلاق
کل کشور	۹۲	۴۵۴	۲۳۵۶۲	۱۸۸۳۵۴	۷۲۹۶	۹۳۵۶۹
استان آذربایجان شرقی و گیلان	۲	۱۱	۲۶۱۸	۹۱۷۵	۰	۷۸۱۶
آذربایجان غربی	۶	۴	۴۱۴	۴۲۵۰	۱۵	۴۲۴۷
همدان	۳	۱	۸۶	۸۰۸	۰	۱۹۱
باختران	۱۱	۱	۸۸۳	۸۲۶۸	۶۲۵	۴۸۱۳
استان لرستان و بخشی از خوزستان و همدان	۱۲	۱۲	۲۶۲۸	۱۷۹۵۱	۴۵	۱۶۶۲۰
ایلام	۱۰	۳	۲۱۷	۵۷۹۶	۴۳۶	۹۴۳
استان چهارمحال و بختیاری	۸	۰	۲۰۳۳	۱۹۶۲۶	۲۲۷	۱۷۴۸۰
وبخشی از خوزستان و فارس	۱	۰	۱۶	۷۹۵	۵	۷۹۵
استان اصفهان و بخشی از چهارمحال بختیاری و فارس	۴	۱	۹۲۷	۳۰۱۳۵	۸۵۶	۸۴۶۲
استان فارس، بوشهر و بخشی از اصفهان و چهارمحال و بختیاری	۲۸	۳۶	۳۵۲۶	۲۴۸۰۵	۸۴۹	۳۶۹۹
استان کرمان و هرمزگان	۰	۲۹۵	۳۴۴۶	۲۰۸۵۶	۳۹	۴۹۲۸
استان سیستان و بلوچستان و بخشی از خراسان	۰	۵۲	۱۲۷۳	۶۳۷۶	۱۸۲۲	۱۱۹۹
استان خراسان و بخشی از مازندران	۰	۵۲	۱۲۷۳	۶۳۷۶	۱۸۲۲	۱۱۹۹

۱۰- کوچکترین رده شامل چند خانوار غالباً خویشاوند می‌باشند که همراه یکدیگر کوچ نموده و در جوار هم استقرار می‌یابند.

توزیع مکانی جمعیت ایران ۵۹

تعداد خانوار استفاده کننده از ساختمان	مناطق حوزه‌های سرشماری					
	تعداد خانوار کوچکتر رده	تعداد خانوار کوچکتر رده	تعداد طایفه	تعداد ایل	تعداد ایل	
در بیلاق	در قشلاق	در بیلاق	در قشلاق	در بیلاق	در قشلاق	
۱۳۴۷	۸۳۵	۲۷۳۵	۱۸۰	۱۶	۱	استان سمنان و بخشی از مازندران، تهران و خراسان
۹۱۰	۲۹۸	۱۰۵۳	۷۶	۵	۴	استان مرکزی و زنجان
۱۰۵۸	۵۳	۱۰۵۹	۵۹	۱۶	۱	استان تهران و بخشی از مازندران

مآخذ: گزیده مطالب آماری، سال سوم، شماره ۱۵، خرداد و تیر ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی